

واکاوی مقارنه امامت با نبوت تبلیغی*

[اسدالله کرد فیروزجائی^۱ / قربان آهن‌گری کیاسری^۲]

چکیده

نبوت، رسالتی الهی برای هدایت و راهنمایی انسان‌ها است که دو نوع تشریحی و تبلیغی دارد و هر دو آن خاتمه یافته است. شیعه امامیه معتقد است پس از خاتمیت، امام با نصب الهی جانشین نبی شده و به هدایت و راهبری مردم همت می‌گمارد. باور به وجود امامت پس از خاتمیت، شبهه «نقض خاتمیت» را به دنبال دارد. اثبات تفاوت بین نبوت تبلیغی و امامت می‌تواند این شبهه را برطرف کند. از این رو، پرسشی مطرح می‌شود که آیا نبوت تبلیغی و امامت از حیث کارکرد و رسالت، با هم تفاوت دارند یا خیر؟ جستار پیش رو بر آن است که با ابزار کتابخانه‌ای و روش تحلیل و سنجش داده‌ها، به بررسی تطبیقی کارکرد این دو منصب الهی بپردازد. نتیجه به دست آمده حاکی از این است که عمده کارکردهای نبوت تبلیغی، تبلیغ شرایع گذشته و تحکیم حاکمیت نبی صاحب شریعت و ارائه طریق است، اما امام علاوه بر این کارکردها، مسئول تحقق بخشیدن به دستورات الهی و تشکیل حکومت دینی و نفوذ در نفوس مستعد در راستای هدایت تکوینی است.

کلیدواژه‌ها: امامت، نبوت تبلیغی، امام، انبیا، وحی.

* تاریخ دریافت مقاله: (۹۸/۰۲/۰۶)، تاریخ پذیرش: (۹۸/۰۵/۱۰).

۱. عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم اسلامی امام صادق (ع) (نویسنده مسئول)

akf474@yahoo.com

۲. دانش آموخته سطح چهار رشته فقه و اصول از پژوهشگاه علوم اسلامی امام صادق (ع)

ghkiasari@gmail.com

مقدمه

خدای سبحان برای هدایت دو گونه راهنما قرار داده تا چراغ راه بشریت باشد و ایشان را از شقاوت باز دارد و به سعادت رهنمون سازد. گونه اول راهنمای درونی یا همان عقل است. گونه دوم راهنمای بیرونی یا همان انبیای الهی و پیامبران مرسل هستند که ۱۲۴۰۰۰ نفر بوده‌اند و اولین آنها حضرت آدم و آخرشان پیامبر خاتم، حضرت محمد بن عبدالله ﷺ می‌باشد. پیامبران الهی به دو دسته تشریحی و تبلیغی تقسیم می‌شوند؛ پیامبران تشریحی یا اولوالعزم، دارای کتاب آسمانی و صاحب شریعت مستقل بوده‌اند و تعدادشان از انگشتان یک دست تجاوز نمی‌کند. پیامبران تبلیغی که تعدادشان زیاد است، دارای شریعت مستقل نبوده‌اند و مبلغ شریعت انبیای تشریحی پیش از خود می‌باشند.

با ختم نبوت، هم نبوت تشریحی خاتمه یافته است و هم نبوت تبلیغی.^۱ با وجود خاتمیت، شیعه امامیه معتقد به نصب الهی امام می‌باشد که بعد از ختم نبوت، به تبلیغ و راهنمایی بشریت ادامه می‌دهد و دارای کارکرد مشابه با نبوت تبلیغی است. این مسئله می‌تواند شیعه امامیه را دچار چالش جدی کند و به شبهه انکار خاتمیت تبلیغی متهم نماید.^۲ به همین خاطر این پرسش مطرح می‌گردد که نبوت تبلیغی، از نظر کارکرد چه تفاوتی با امامت دارد؟

بعد از بررسی انجام شده به این نکته پی بردیم که تحقیق جدی‌ای راجع به این موضوع صورت نگرفته است و تنها برخی از محققان، با عناوینی مشابه، به تحقیق در این باره پرداخته‌اند؛ از جمله آنها می‌توان به مقاله «نبوت و امامت در اندیشه ملاصدرا» از مجید اسکندری، «مقایسه پیامبر و امام از دیدگاه امام رضا (علیه السلام)» از حسن صادقی، «تبيين امامت قرآنی به مثابه مقامی مستقل از نبوت با تأکید بر آیه ابتلا» از محمد اسعدی، «رابطه ولایت تکوینی و تشریحی ائمه (علیهم السلام) از منظر عقل و دین» از محسن ایزدی و ایرج قبادیان، «سرّ ختم نبوت

۱. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، ۳/ ۱۷۳.

۲. دهلوی، شاه عبدالعزیز، تحفه اثناعشریه، ص ۳۵۵.

تبلیغی و عدم برخورداری ائمه اطهار از این منصب» از علی زمانی قشلاقی و مقاله «تفاوت‌های نبوت تبلیغی و امامت» از نرم‌افزار پاسخ (وابسته به مرکز مطالعات و پاسخگویی به شبهات) اشاره کرد که هیچ‌کدام از آنها به تطبیق کارکرد نبوت تبلیغی و امامت نپرداخته‌اند. نوشتار پیش رو تلاش دارد با بررسی تطبیقی کارکرد نبوت تبلیغی با امامت، به پرسش یادشده پاسخ دهد و شبهه مطرح شده را نقض کند.

۱. مفهوم‌شناسی

برای روشن شدن بحث، به مفهوم‌شناسی برخی از واژگان مربوط به موضوع می‌پردازیم.

۱-۱- نبوت

واژه «نبوت» برگرفته از ریشه «نبا» یا «نبو» به معانی خبردهنده^۱ یا مکان مرتفع می‌باشد.^۲ نبوت مأخوذ از «نبا» به معنای خبردادن از چیز مهم است، چنان‌که قرآن می‌فرماید: «عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ * عَنِ النَّبِيِّ الْعَظِيمِ». ^۳ نبوت مأخوذ از «نبو» به معنای برخورداری از جایگاه برتر نسبت به دیگران می‌باشد.

از آن جا که نبی از غیب خبر می‌دهد، سزاوار است که نبوت، مأخوذ از «نبا» باشد.^۴ نبوت یا پیامبری در اصطلاح، آوردن پیام از طرف خدا است و نبی انسانی است که بدون واسطه انسان دیگر، از طرف خدا پیام می‌آورد،^۵ اعم از این‌که مؤسس شریعت باشد (مانند نبی مکرم اسلام و دیگر پیامبران اولوالعزم) یا مؤسس شریعت نباشد (مانند پیامبران تبلیغی). در هر صورت نبی از طرف خداوند، مأمور اصلاح

۱. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، ۱/۱۶۲.

۲. صاحب بن عباد، المحيط في اللغة، ۱۰/۴۰۳.

۳. نبا: ۱-۲.

۴. طباطبایی، محمدحسین، المیزان، ۱۴/۵۶.

۵. طوسی، محمد بن حسن، الرسائل العشر، ص ۱۱۱.

امور مردم در معاش و معاد می باشد.^۱ محقق طوسی می نویسد:

نبی انسان برانگیخته شده از سوی خداوند به سوی بندگانش است تا آنان را کامل کند؛ به این صورت که آن چه در طاعت الهی و دوری از معصیت نیاز دارند، به آنان بشناساند.^۲

نبوت بر دو قسم است: ۱. نبوت تشریحی؛ ۲. نبوت تبلیغی.

در نبوت تشریحی، پیامبران از طرف خداوند متعال، برای مردم قانون و دستورالعمل می آوردند. تعداد این گروه از پیامبران بسیار اندک می باشد که به ترتیب عبارت اند از: حضرت نوح، حضرت ابراهیم، حضرت موسی، حضرت عیسی و خاتم انبیا حضرت محمد ﷺ.

در نبوت تبلیغی، پیامبران از خودشان شریعت مستقل نمی آورند، بلکه مأمور به تبلیغ شریعت پیامبران تشریحی یا اولوالعزم هستند و تعدادشان نیز بسیار بیشتر از پیامبران تشریحی می باشد.^۳ دین اسلام با اعلام ختم نبوت، به هر دو نوع آن خاتمه داده است.

۱-۲- امامت

امامت در لغت به معنای پیشوایی و رهبری است و امام به معنای پیشوا، رئیس و مقتدا می باشد.^۴ راغب در مفردات می نویسد:

امام کسی است که به او اقتدا می شود، خواه اقتداشونده انسان باشد که به گفتار و کردارش اقتدا شود، یا کتاب و یا چیز دیگری باشد، و چه این اقتدا حق و صواب باشد و یا باطل و ناصواب.^۵

بنابراین، در امامت، تبعیت نهفته است و امام کسی است که از او تبعیت می شود.^۶ امامت در اصطلاح به دو صورت تعریف شده است: الف: «هی رئاسة

۱. سیوری، فاضل مقداد، اللوامع الالهية، ص ۲۳۹.
۲. نصیرالدین طوسی، محمد، قواعد العقائد، ص ۸۷.
۳. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، ۲/ ۱۶۸.
۴. ازهری، محمد، تهذیب اللغة، ۱۵/ ۴۵۹.
۵. راغب اصفهانی، حسین، مفردات، ص ۸۷.
۶. حمصی، سدیدالدین، المنقذ من التقليد، ۲/ ۲۳۵.

عامه في امور الدين والدنيا بالاصالة»^۱. این تعریف عام است و شامل نبوت نیز می‌شود. ب: جانشینی و نیابت از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در امور دین.^۲ تعریف اول مورد تأیید همه گرایش‌های اسلامی است.^۳

۳-۱- مفهوم کارکرد

کارکرد در لغت به معنای کار انجام شده است.^۴ این کلمه مترادف است با واژگانی همچون بازده، راندمان، عملکرد، محصول و مانند آن. معنای اصطلاحی این کلمه با معنای لغوی آن همخوانی دارد. بنابراین، وقتی از کارکرد امام یا نبی بحث می‌شود به این معنا است که محصول و عملکرد فعالیت‌های آنان چیست؟ مقاله پیش رو نیز در پی تطبیق میان محصول و عملکرد پیامبر تبلیغی و امام است.

۲- هم‌پوشانی نبوت و امامت

یکی از فرضیه‌ها در بحث راهنماشناسی، فرضیه هم‌پوشانی نبوت و امامت است؛ بدین معنا که هر نبی بتواند امام باشد و هم چنین هر امامی بتواند نبی باشد. آن‌چه در این نگره منتفی بودنش قطعی است، قسم دوم یعنی نبی‌انگاری امام است؛ زیرا نبی‌انگاری امام، با خاتمیت همخوانی ندارد و به تصریح قرآن کریم که می‌فرماید:

﴿مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِّن رِّجَالِكُمْ وَلَكِن رَّسُولَ اللَّهِ وَخَاتَمَ النَّبِيِّينَ﴾
محمد پدر هیچ‌یک از مردان شما نیست، ولی فرستاده خدا و خاتم پیامبران است.^۵

۱. ابن میثم بحرانی، میثم، قواعد المرام، ص ۱۷۴؛ سیوری، فاضل مقداد، همان، ص ۳۲۵؛ جرجانی، علی بن محمد، شرح المواقف، ۳۴۵/۸.

۲. حلی، حسن بن یوسف، الباب الحادی عشر، ص ۴۰؛ سیوری، فاضل مقداد، همان، ص ۳۲۶.

۳. فیاض لاهیجی، عبدالرزاق، گوهر مراد، ص ۴۶۱-۴۶۲؛ همو، سرمایه ایمان، ص ۱۰۷.

۴. عمید، حسن، فرهنگ فارسی عمید، ۱۶۰۵/۲.

۵. احزاب: ۴۲.

خاتمیت از بدیهیات نزد مسلمانان و مذهب شیعه امامیه محسوب می‌گردد. با توجه به این آیه و روایات صادر شده از امامان معصوم علیهم‌السلام، هیچ‌یک از متکلمان شیعه معتقد به پیامبری امامان اثناعشر نیستند و این مسئله از بدیهیات مذهب تلقی می‌گردد.^۱

اما در رابطه با قسم اول، یعنی امکان امام بودن هر نبی، این پرسش مطرح می‌شود که با توجه به معنای نبوت که نوعی پیشوایی و رهبری در آن نهفته است، آیا می‌توان به همه انبیای الهی، امام نیز اطلاق نمود؟ در پاسخ به این پرسش می‌توان گفت: نسبت دادن امامت اصطلاحی به همه انبیا صحیح نیست؛ زیرا قریب به اتفاق انبیا، جز معدودی از پیامبران مانند حضرت ابراهیم و پیامبر خاتم، مقام امامت نداشتند.^۲ از این رو برخی از انبیا دارای دو منصب بودند: یکی منصب نبوت که با آن، وحی دریافت می‌کردند و به مردم ابلاغ می‌نمودند، و دیگری منصب امامت و رهبری ظاهری و باطنی بود که از این طریق، مردم را به کمال مطلوب می‌رساندند.^۳

شاهد عدم انتساب امامت به همه انبیا، امامت حضرت ابراهیم پس از امتحانات سخت و در اواخر نبوتش می‌باشد؛ چنان‌که قرآن می‌فرماید:

﴿وَإِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا﴾

و چون ابراهیم را پروردگارش با کلماتی بیازمود، و وی آن همه را به انجام رسانید، [خدا به او] فرمود: من تو را پیشوای مردم قرار دادم.^۴

حضرت ابراهیم با این‌که از پیامبران اولوالعزم و صاحب شریعت بود، تا اواخر عمر از منصب امامت برخوردار نبود و پس از بیرون آمدن از امتحانات سخت، این منصب به او اعطا گردید. با این وصف، انبیای تبلیغی به طریق اولی از

۱. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، ۱۸۳/۲؛ سبحانی، جعفر، مفاهیم القرآن، ۱۱۳/۳.

۲. موسوی شفتی، اسدالله، الامامة، ص ۵.

۳. طباطبایی، محمدحسین، الشیعة، نص الحوار مع المستشرق کوربان، ص ۱۱۹.

۴. بقره: ۱۲۴.

منصب امامت برخوردار نبودند. سرّ نسبت دادن «پیشوا» به همه انبیا حتی انبیای تبلیغی این است که مردم به آنها اقتدا می‌کنند. یعنی گوش به فرمان آنان می‌باشند. اما این‌که به امامان به طور اعم، و به برخی از انبیا مانند حضرت ابراهیم و پیامبر خاتم به طور اخص، «پیشوا» اطلاق می‌گردد به این معنا است که آنها افزون بر تبلیغ احکام، موظف به اجرای حدود الهی و پاسداری از دین و تربیت بشر هستند.^۱

۳- کارکرد اختصاصی نبوت تبلیغی

انبیای الهی و امامان معصوم فی الجمله دارای کارکردهای مشترک و مشابه، ولی با رویکردهای متفاوت هستند که از آنها به نحو تطبیقی بحث خواهد شد. اما همه انبیای الهی از جمله انبیای تبلیغی، یک کارکرد اختصاصی دارند که مخصوص خودشان است و آن، دریافت وحی رسالی یا همان وحی متعارف از طرف خدا است که امامان دوازده‌گانه شیعه از آن برخوردار نیستند.^۲ وحی رسالی همان دستورات و قوانین الهی است که بر پیامبران نازل می‌شود؛ چنان‌که قرآن به نزول وحی بر انبیا اشاره دارد و خطاب به نبی مکرم اسلام می‌فرماید:

«إِنَّا أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ كَمَا أَوْحَيْنَا إِلَى نُوحٍ وَالتَّيِّبِينَ مِنْ بَعْدِهِ وَأَوْحَيْنَا إِلَى إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطِ وَعِيسَى وَأَيُّوبَ وَيُونُسَ وَهَارُونَ وَسُلَيْمَانَ وَأَتَيْنَا دَاوُدَ زَبُورًا»^۳

ما هم چنان‌که به نوح و پیامبران بعد از او وحی کردیم، به تو [نیز] وحی کردیم؛ و به ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و اسباط و عیسی و ایوب و یونس و هارون و سلیمان [نیز] وحی نمودیم، و به داود زبور بخشیدیم.

بنابراین، وحی رسالی که در آیه مذکور به آن اشاره شد، مختص انبیا می‌باشد و نزول آن با رحلت پیامبر اسلام منقطع گردیده است و هیچ‌گاه بر امام، وحی رسالی

۱. مفید، محمد بن محمد، اوائل المقالات، ص ۶۵.

۲. سیوری، فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، ص ۳۰۱.

۳. نساء: ۱۶۳.

نازل نمی‌شود.^۱ این نکته‌ای است که همه متکلمان مسلمان بر آن اتفاق نظر دارند. اگرچه امام از طریق الهام که نوعی القای مطلب یا چیزی در نفس و جان انسان است،^۲ با غیب در ارتباط می‌باشد،^۳ اما این هرگز به معنای وحی رسالی نخواهد بود.

۴- بررسی تطبیقی کارکردهای مشترک نبوت تبلیغی با کارکرد امامت

انتساب این شبهه که «شیعه امامیه منکر خاتمیت است»^۴ و این که «باور به امامت بعد از ختم نبوت، ناقض خاتمیت است»،^۵ بیشتر نشئت گرفته از وجود کارکردهای مشترک نبوت تبلیغی با امامت در برخی شئون است که جهت رفع این اتهام، در ادامه به صورت تطبیقی بررسی خواهد شد.

۴-۱- مرجعیت دینی

یکی از کارکردهای مهم و مشترک بین انبیای تبلیغی و امامت، مرجعیت دینی است؛ بدین معنا که همه انبیای الهی از جمله انبیای تبلیغی و نیز امامان، مرجع و مأوای دینی مردم بوده و وظیفه دارند به تبلیغ دین و شریعت الهی پردازند و نیازمندی‌های دینی مردم را تأمین کنند. البته در مرجعیت آنان تفاوت‌هایی وجود دارد که به نمونه‌هایی از آن اشاره می‌شود.

۴-۱-۱- بن مایه آموزه‌های دین

انبیای تبلیغی همانند دیگر انبیای الهی آموزه‌های دینی را جهت تبلیغ و گسترش آن، از طریق وحی دریافت و تأمین می‌کردند که با ختم نبوت، این طریق مسدود گردیده است؛ چنان که خطاب خدا در قرآن کریم به پیامبر اسلام اشاره به همین

۱. حلی، حسن بن یوسف، الفین، ص ۲۶۷.

۲. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، ۱۲/۵۵۵.

۳. صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم، مفاتیح الغیب، ص ۴۲.

۴. دهلوی، شاه عبدالعزیز، تحفه اثناعشریه، ص ۳۵۳.

۵. سروش، عبدالکریم، بسط تجربه نبوی، ص ۲۵.

مطلب دارد که می‌فرماید:

﴿وَإِنَّهُ لَتَنْزِيلُ رَبِّ الْعَالَمِينَ * نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ * عَلَى قَلْبِكَ لِتَكُونَ مِنَ الْمُنذِرِينَ﴾

والبته آن قرآن فروفرستاده پروردگار جهانیان است. جبرئیل آن را بر قلب تو نازل کرده تا از هشداردهندگان باشی.^۱

اما امامان شیعه، آموزه‌های دین را از طریق داشته‌های خود که مستند به قرآن و کلام نورانی پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله و الهام است، تأمین می‌کنند.^۲ به عبارت دیگر فرق پیامبر و امام را در این حوزه، چنین می‌توان بیان کرد که امام، تشریح‌کننده حلال و حرام نیست؛ چنان‌که امام باقر علیه السلام در تفسیر آیه ﴿أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ﴾^۳ می‌فرماید:

هِيَ فِي عَلِيٍّ وَفِي الْأَيِّمَةِ جَعَلَهُمُ اللَّهُ مَوَاضِعَ الْأَنْبِيَاءِ غَيْرَ أَنَّهُمْ لَا يُحَلُّونَ شَيْئاً وَلَا يُخَرَّمُونَ؛^۴ مراد از اولی الامر، امام علی علیه السلام و دیگرانند. خداوند آنها را در جایگاه انبیا قرار داد، با این تفاوت که آنان چیزی را حلال و حرام نمی‌کنند.

بر اساس این روایت، حلال و حرام بر پیامبر تبلیغی نازل می‌شود، ولی بر امام نازل نمی‌شود. بنابراین، به اعتقاد شیعه امامیه، احکام و قوانین شریعت بر امام وحی نشده، بلکه به طور کامل بر پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله نازل شده است و ایشان همه آنها را به امام علی علیه السلام تعلیم نمود و برخی از احکام مورد نیاز را در اختیار مسلمانان قرار داد.^۵ امام علی نیز همه آنها را به صورت کتبی و شفاهی در اختیار امام پس از خود قرار داد.^۶ به همین کیفیت، احکام و قوانین اسلام از هرامامی به امام دیگر انتقال

۱. شعرا: ۱۹۲-۱۹۴.

۲. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، ۸۵۹/۴.

۳. نساء: ۵۹.

۴. عیاشی، محمد بن مسعود، تفسیر، ۲۵۲/۱.

۵. ابن شهر آشوب، محمد بن علی، مناقب، ۳۵/۲.

۶. صفار، محمد بن حسن، بصائر الدرجات، ۱۴۳/۱.

یافت و هم‌اکنون در اختیار امام دوازدهم عَلَيْهِ السَّلَام قرار دارد. از این رو، اگر امامان احکام حلال و حرام را برای مردم بیان می‌کردند، به نحو استقلالی نبود، بلکه تابع و پیرو رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بودند.

نتیجه این‌که امام و نبی تبلیغی هر دو در راستای مرجعیت دینی، از غیب خبر می‌دهند و کلام آنان مستند به وحی الهی است، با این تفاوت که نبی مستقیماً و بدون واسطه بشر، و امام با واسطه بشر از غیب خبر می‌دهد؛ یعنی با واسطه پیامبر، از غیب و وحی الهی خبر می‌دهد.^۱ بر این اساس، تفاوت امامان شیعه با انبیای تبلیغی در این است که انبیای تبلیغی، پیاده‌سازی شریعت را از طریق ارتباط با غیب و دریافت وحی انجام می‌دادند، اما این کار را امامان از خود قرآن و فرمایشات پیامبر پیش می‌بردند. این شیوه تبلیغی و کارکرد امامت، مقدمه آموزش و در نتیجه پرورش مجتهدانی شد که در عصر غیبت امام، تا حدودی خلأ ظاهری او را جبران کرده و با استفاده از قرآن و سنت اصیل نبوی، به فهم صحیح و درست دین در همه عرصه‌ها رسیده و به هدایت مردم می‌پردازند.

۴-۱-۲- ارتباط با عالم غیب

یکی از راه‌های شناخت و کسب معرفت، «علم غیب» است^۲ که از طریق اتصال به عالم غیب حاصل می‌شود؛ عالمی که از نظرهای ظاهری پنهان است و آگاهی از حقایق آن، با ادراکات حسی و نیز از راه اندیشه و استدلال‌های منطقی قابل درک نیست. ارتباط با عالم غیب، از جنس ارتباط‌های معمولی یا حسی نیست، بلکه ارتباط با ماورای حس است که مختص خداوند متعال بوده و دیگر موجودات نیز می‌توانند به اذن پروردگار با آن مرتبط شوند. چنین ارتباطی می‌تواند از طریق وحی، الهام، رؤیای صادق و یا مکاشفات عرفانی، برای افراد بشری حاصل شود.

همه راهنمایان الهی اعم از انبیای تبلیغی و امامان، جهت راهنمایی و هدایت

۱. طوسی، محمد بن حسن، الرسائل العشر، ص ۱۱۲.

۲. سبحانی، جعفر، منشور جاوید، ۲۲۸/۷.

انسان‌ها، با عالم غیب در ارتباط‌اند، اما نوع ارتباط آنان متفاوت است؛ پیامبران رسماً با عالم غیب تماس دارند و فرشته وحی را می‌بینند، ولی ارتباط امام از طریق الهام و انبیا اتفاق می‌افتد و این‌گونه نیست که فرشته وحی را ببینند.^۱ قرآن کریم چنین الهامی را به مادر حضرت موسی نسبت داده و می‌فرماید:

﴿وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ أُمِّ مُوسَىٰ أَنْ أَرْضِعِيهِ﴾؛ ما به مادر موسی الهام کردیم که

اورا شیربده.^۲

استدلال به این آیه ثابت می‌کند که نزول وحی به معنای الهام به شخص، بر پیامبر بودن شخص دلالت نمی‌کند؛ زیرا به مادر موسی عليها السلام که همه می‌دانند پیامبر نبوده نیز وحی می‌شد.

بنابراین، انتساب شبهه اعتقاد شیعه امامیه به «ارتباط امامان و حضرت فاطمه زهرا عليها السلام با عالم غیب از طریق نزول فرشته وحی بر آنان»،^۳ به این صورت که وحی تشریحی و غیرالهامی بوده و فرشته وحی را دیده‌اند، مردود و ناصواب تلقی می‌گردد.

۴-۱-۳- تحقق بخشیدن به دستورات الهی

انبیای تبلیغی در راستای مرجعیت دینی، مأمور به تبیین و ابلاغ رسالت انبیای پیشین بوده و آموزه‌های دینی را برای مردم تفسیر و تبلیغ می‌کردند، اما امامان افزون بر این که به تفسیر و تبیین شریعت پیامبر خاتم می‌پرداختند، مسئولیت امر و نهی مردم و اجرا و تحقق شریعت در جامعه و مدیریت آن را نیز به عهده داشتند، ولی انبیای تبلیغی از این مسئولیت معاف بوده‌اند. قرآن کریم در بیان وظیفه رسول می‌فرماید:

﴿وَمَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ﴾؛ و بر پیامبر چیزی جز رساندن

آشکار نیست.^۴

۱. کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، ۱/۱۷۶.

۲. قصص: ۷.

۳. دهلوی، شاه ولی الله، مختصر التحفة الاثنی عشریة، مترجم: محمد نبی عمراسلمی، ص ۱۱۴.

۴. نور: ۴۲.

مطابق آیه شریفه، وظیفه رسول تنها تبلیغ و رساندن پیام خداوند متعال به مردم است و هیچ وظیفه دیگری ندارد.^۱ پس وظیفه امام اجرای دستورات الهی است، درحالی که وظیفه رسول ابلاغ این دستورات می باشد و به تعبیری، رسول «ارائه طریق» می کند، ولی امام «ایصال به مطلوب» می نماید.^۲

بنابراین، از تطبیق کارکردهای نبوت تبلیغی و امامت در عرصه مرجعیت دینی این نتیجه حاصل می شود که وظیفه همه پیامبران و هم چنین پیامبران تبلیغی، دریافت آموزه های دینی از طریق وحی و ابلاغ آن به بشریت بود که با رحلت آخرین پیامبر الهی یعنی حضرت محمد ﷺ پایان یافت، اما وظیفه امامان شیعه این است که پس از ختم نبوت، احکام و قوانین دینی را که پیامبر خاتم ﷺ به آنان سپرده، اجرا و محقق نمایند و این مأموریت هیچ گاه ناقض خاتمیت نیست.

۲-۴- رهبری سیاسی و اجتماعی

از کارکردهای مشترک بین نبوت تبلیغی و امامت، رهبری سیاسی و اجتماعی امت است. یعنی همه انبیای الهی اعم از تشریحی و تبلیغی و امامان، موظف بودند که مرجع و مأوای سیاسی و اجتماعی مردم باشند و به زندگی اجتماعی مردم سرورسامان بدهند. البته در این مسئولیت، تفاوت هایی بین انبیا و امامان وجود دارد که در ادامه، به صورت تطبیقی بررسی می شود.

۲-۴-۱- تشکیل حکومت

مقام امامت با تشکیل حکومت عجین بوده و امام موظف است به صورت مستقل، برای اجرای احکام الهی حکومت تشکیل دهد. لذا در یک زمان چند امام نداریم، ولی پیامبر تبلیغی علاوه بر این که می تواند در شرایط مقتضی حکومت تشکیل دهد، می تواند تحت حاکمیت پیامبری اولوالعزم و صاحب شریعت و یا پیامبری

۱. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، ۲۳۸/۷؛ طباطبایی، محمدحسین، المیزان، ۱۵۱/۱۴.

۲. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ۴۴۱/۱.

بالاتراز خود قرار گرفته و مروج و مبلغ شریعت او باشد؛ مانند حضرت لوط که تحت حاکمیت حضرت ابراهیم و مبلغ شریعت او بود. قرآن کریم در این باره می‌فرماید:

﴿قَامَنَ لَهُ لُوطٌ﴾؛ پس لوط به او [ابراهیم] ایمان آورد.^۱

ایمان آوردن حضرت لوط به حضرت ابراهیم، به این معنا است که همه دستورات و آیین او را پذیرفته و تحت حاکمیت آن حضرت، زندگی سیاسی و اجتماعی مردم را اداره می‌کرد. بنابراین، در نبوت تبلیغی این قابلیت وجود دارد که نبی تبلیغی تحت حکومت انبیای صاحب شریعت و معصوم دیگر قرار بگیرد، اما امام عهده‌دار رهبری اجتماعی و مأمور به تشکیل حکومت مستقل می‌باشد؛ امام مسئولیت پیشوایی امت را بر عهده داشته و موظف است به امر و نهی بپردازد و جامعه بشری را با دستورات خود اداره کند و نظم و امنیت اجتماعی را برقرار کند.^۲ امام موظف است با تشکیل حکومت مستقل و به دست آوردن قدرت‌های لازم، علاوه بر تعلیم احکام به مردم، آنها را اجرا و پیاده کند و اگر نتواند تشکیل حکومت دهد، وظیفه دارد تا حد امکان، در اجرای احکام بکوشد.

۴-۲-۲- مقتدای امت

اقتدا در لغت به معنای پیروی کردن و تقلید کردن است و در فقه به نمازگزاردن پشت سر امام جماعت اطلاق می‌گردد.^۳ انبیای تبلیغی و امامان معصوم نیز در راستای رهبری سیاسی و اجتماعی جامعه، مقتدای مردم هستند، با این تفاوت که اقتدا به انبیا بیشتر با معنای لغوی همخوانی دارد. از این رو «اقتدانمودن به انبیا» به معنای پیروی نمودن از گفتار و رفتارشان می‌باشد، مگر این که امامت آنان نیز در کنار نبوت تبلیغی اثبات شود. ولی اقتدا در رابطه با امام، افزون بر معنای لغوی،

۱. عنکبوت: ۲۶.

۲. سبحانی، جعفر، منشور جاوید، ۲۵۲/۵.

۳. عمید، حسن، فرهنگ فارسی عمید، ۲۰۵/۱؛ زمخشری، محمود، مقدمه الادب، ص ۲۴۳.

یعنی «پیروی نمودن از رفتار و کردار او»، همواره به معنای پیروی از آنان در رهبری، تدبیر امور و دفاع از حریم جامعه دینی نیز می‌باشد.^۱ براین اساس امام علی علیه السلام می‌فرماید:

امامان از طرف خدا، تدبیرکنندگان امور مردم و کارگزاران آگاه
بندگان اند.^۲

با این اوصاف می‌توان دریافت که یکی از کارکردهای امامت، رهبری سیاسی جامعه است که با تشکیل حکومت، امام امور سیاسی و اجتماعی مردم را تدبیر می‌کند و مردم او را در این امر، مقتدای خود قرار می‌دهند، درحالی‌که این کارکرد را الزاماً نمی‌توان به نبوت تبلیغی نسبت داد.

۴-۳- ولایت معنوی

از شئون و کارکردهای مشترک انبیای الهی و امامت، برخورداری از ولایت معنوی است؛ به این معنا که همه پیامبران و امامان معصوم، در ارتباط با عالم غیب و فنای فی الله مشترک‌اند و اساساً کسی تا به مقام ولایت نرسد، به مقام نبوت و امامت نمی‌رسد.^۳ علامه طباطبایی می‌فرماید:

نزد بزرگان ادیان الهی، هیچ شک و تردیدی نیست که همانا انبیا با
اختلاف مراتبی که دارند، با ماورای طبیعت در ارتباط هستند و بر امور
باطنی [عالم] اطلاع دارند.^۴

اما امام و انبیايي که دارای شأن «امامت» اصطلاحی می‌باشند، افزون بر بهره‌مندی از مقام ولایت معنوی، از هدایت تکوینی (مرتبه اعلای ولایت معنوی) نیز برخوردارند. براین اساس، امام همان‌طور که در شأن مرجعیت

۱. طوسی، محمد بن حسن، الرسائل العشر، ص ۱۱۲.

۲. سید رضی، محمد بن حسین (گردآورنده)، نهج البلاغة، ص ۲۱۲.

۳. صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم، الشواهد الربوبية، ۲/ ۸۱۴؛ اصفهانی، محمدحسین، حاشیة المکاسب، ۲/ ۳۷۹؛ صادقی ارزگانی، محمدامین، پیامبر اعظم در نگاه عرفانی امام خمینی رحمته الله علیه، ص ۲۳۳.

۴. طباطبایی، محمدحسین، رسالة الولاية، ص ۲۳.

دینی از کارکرد هدایت ظاهری برخوردار است و انسان را به کمال مطلوب می‌رساند، در شأن ولایت باطنی نیز از هدایت تکوینی و یا هدایت باطنی برخوردار است، ولی انبیای تبلیغی از چنین کارکردی محروم‌اند. علامه طباطبایی ذیل آیه «وَجَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا»^۱ می‌فرماید:

این هدایتی که از شئون امامت قرار داده شده است، به معنای ارائه طریق نیست و انبیای تبلیغی هستند که از هدایت به معنای ارائه طریق برخوردارند. بنابراین، هرگاه هدایت به امامت نسبت داده شود به معنای ایصال به مطلوب است و آن نیز با تصرّف تکوینی در نفوس انسان‌های مستعد تحقق می‌یابد.^۲

بنابراین، پیامبران تبلیغی فقط راه را به انسان نشان می‌دهند، ولی امامان علاوه بر ارائه طریق، با ولایت تکوینی و نفوذ در درون انسان‌های مستعد، آنان را به مقصد می‌رسانند.

نتیجه‌گیری

با توجه به تطبیقی که در این جستار میان شئون و کارکردهای نبوت تبلیغی و امامت انجام گرفته، نتایج ذیل به دست آمده است:

اولاً: نبوت اعم از تشریحی و تبلیغی، با رحلت آخرین پیامبر الهی حضرت محمد ﷺ خاتمه یافته است. به همین سبب وحی رسالی نیز که از کارکردهای اختصاصی همه انبیای می‌باشد، پایان یافته است. لذا در اعتقاد شیعه، امام اگرچه از طریق الهام مرتبط با عالم غیب است، ولی وحی رسالی براو نازل نمی‌شود. ثانیاً: انبیای تبلیغی در عرصه رهبری سیاسی جامعه، حکومت مستقل نداشتند و تحت حاکمیت انبیای تشریحی عصر خود و به دفاع از آن، کارکردشان تنها تبلیغ و ارشاد مردم به شریعت و تعلیمات پیامبر صاحب شریعت بود، ولی در اندیشه شیعه، امامان با توجه به جایگاه برتر و ولایتی که نسبت به نبوت تبلیغی دارند،

۱. انبیاء: ۷۳.

۲. طباطبایی، محمدحسین، المیزان، ۲۷۲/۱.

علاوه بر تبلیغ و ارشاد مردم، همانند پیامبران اولوالعزم، مأمور به سعی و تلاش برای تشکیل حکومت مستقل و اجرایی کردن احکام الهی و نیز هدایت تکوینی و تربیت ظاهری و باطنی نفوس بوده‌اند.

بنابراین، مقام امامت یک منصب الهی و متفاوت از مقام نبوت تبلیغی است و با توجه به کارکردهای متفاوتی که با انبیای تبلیغی دارد، هیچ تعارضی با اصل خاتمیت ندارد.

فهرست منابع

قرآن کریم.

نهج البلاغة (سخنان امیر مؤمنان علیه السلام)، گردآوری سید رضی، تحقیق: صبحی صالح، هجرت، قم، ۱۴۱۴ ق.

ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب علیهم السلام، علامه، قم، ۱۳۷۹ ش.

ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، دار صادر، بیروت، ۱۴۱۴ ق.

ابن میثم بحرانی، میثم، قواعد المرام فی علم الکلام، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، ۱۴۰۶ ق.

ازهری، محمد بن احمد، تهذیب اللغة، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۲۱ ق.

اصفهانی، محمد حسین، حاشیة المکاسب، ذوی القربی، قم، ۱۴۱۸ ق.

جرجانی، علی بن محمد، شرح المواقف، الشریف الرضی، قم، ۱۳۲۵ ق.

حلی، حسن بن یوسف، الالفین، هجرت، قم، ۱۴۰۹ ق.

-----، الباب الحادي عشر، مؤسسه مطالعات اسلامی، تهران، ۱۳۶۵ ش.

حمصی رازی، سدید الدین، المنقذ من التقليد، مؤسسة النشر الاسلامی، قم، ۱۴۱۲ ق.

دهلوی، شاه عبدالعزیز، تحفه اثنا عشریه.

دهلوی، شاه ولی الله، مختصر التحفة الاثنی عشریه، مترجم: محمد نبی عمراسلمی، استانبول، ۱۴۱۴ ق.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ القرآن، دار القلم، بیروت، ۱۴۱۲ ق.

زمخشری، محمود بن عمر، مقدمة الادب، مؤسسه مطالعات اسلامي دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۸۶ ش.

سبحانی، جعفر، مفاهيم القرآن، مؤسسه امام صادق عليه السلام، قم، ۱۴۲۱ ق.

-----، منشور جاويد، اسلامي، قم، ۱۳۶۶ ش.

سروش، عبدالکريم، بسط تجربه نبوي، مؤسسه فرهنگي صراط، تهران، ۱۳۷۸ ش.

سيوري حلي، فاضل مقداد بن عبدالله، اللوامع الالهية، شفق، تبريز، ۱۴۲۲ ق.

-----، ارشاد الطالبين، كتابخانه آيت الله مرعشي نجفي، قم، ۱۴۰۵ ق.

صاحب بن عباد، المحيط في اللغة، عالم الكتب، بيروت، ۱۴۱۴ ق.

صادقي ارزگاني، محمدامين، پیامبر اعظم در نگاه عرفاني امام خميني رحمته الله عليه، مؤسسه آموزشی - پژوهشي امام خميني رحمته الله عليه، قم، ۱۳۸۸ ش.

صدرالدين شيرازي، محمد بن ابراهيم، الشواهد الربوبية، مؤسسه التاريخ العربي، بيروت، ۱۴۱۷ ق.

-----، مفاتيح الغيب، انجمن اسلامي حکمت و فلسفه ايران، تهران،

۱۳۶۳ ش.

صفار، محمد بن حسن، بصائر الدرجات في فضائل آل محمد عليهم السلام، مكتبة آية الله المرعشي النجفي، قم، ۱۴۰۴ ق.

طباطبايي، سيد محمد حسين، الشيعة، نص الحوار مع المستشرق كوربان، مؤسسه القرى للتحقيق والنشر، بيروت، ۱۴۱۸ ق.

-----، الميزان في تفسير القرآن، مؤسسه الاعلمي، بيروت، ۱۳۹۰ ق.

-----، رسالة الولاية، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، قم، ۱۳۶۰ ق.

طبرسي، فضل بن حسن، مجمع البيان في تفسير القرآن، ناصر خسرو، تهران، ۱۳۷۲ ش.

طوسي، محمد بن حسن، الاقتصاد فيما يتعلق بالاعتقاد، دار الاضواء، بيروت، ۱۴۰۶ ق.

-----، الرسائل العشر، مؤسسه النشر الاسلامي، قم، ۱۴۱۴ ق.

عميد، حسن، فرهنگ فارسي عميد، اميركبير، تهران، ۱۳۶۴ ش.

عياشي، محمد بن مسعود، تفسير العياشي، المطبعة العلمية، تهران، ۱۳۸۰ ش.

فياض لاهيجي، عبدالرزاق، سرمايه ايمان، الزهراء، تهران، ۱۳۷۲ ش.

-----، گوهر مراد، سايه، تهران، ۱۳۸۳ ش.

كليني، محمد بن يعقوب، الكافي، اسلاميه، تهران، ۱۳۶۲ ش.

مطهری، مرتضی، مجموعه آثار (ج ۲)، صدرا، تهران، ۱۳۷۷ ش.
-----، مجموعه آثار (ج ۳)، صدرا، تهران، ۱۳۷۷ ش.
مفید، محمد بن محمد بن نعمان، اوائل المقالات، دارالمفید.
مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۷۴ ش.
موسوی شفتی، سید اسدالله، الامامة، مکتبه حجة الاسلام شفتی، اصفهان، ۱۴۱۱ ق.
نصیرالدین طوسی، محمد بن محمد، قواعد العقائد، مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم،
۱۴۱۶ ق.

دراسة مقارنة الإمامة بالنبوة التبليغية

أسد الله كرد فيروزجائي^١

قربان آهن گري كياسري^٢

٢١٩

الخلاصة

الخلاصة:

تعدّ النبوة رسالة إلهية لهداية البشر، ولها نوعان: تشريعية وتبليغية، وكلاهما قد انتهت وختمت بالنبى الأكرم ﷺ، وتعتقد الشيعة الإمامية بأن الإمام هو خليفة النبى بالنص الإلهي، لهداية وقيادة البشرية. وقد يقال بشبهة نقض الخاتمية بالاعتقاد بالإمامة من بعد النبوة، ويمكن رد هذه الشبهة من خلال التفريق بين الإمامة والنبوة التبليغية.

وانطلاقاً من ذلك، يطرح السؤال التالي، هل تختلف النبوة التبليغية والإمامة من حيث الوظيفة والرسالة، أم لا؟

والنتيجة الحاصلة من هذه الدراسة أنّ عمدة وظائف النبوة التبليغية هو تبليغ الشرائع السابقة، وتحكيم الشريعة الحالية، وعرض الطريق الصواب، وأمّا الإمامة فمضافاً إلى الوظائف السابقة ينبغي أن تحقق الأحكام الإلهية وتشكيل الحكومة الدينية، والنفوذ للنفوس المستعدّة في سبيل الهداية التكوينية.

المفردات الأساسية: الإمامة، النبوة التبليغية، الإمام، الأنبياء.

١. عضو الهيئة العلمية في معهد الإمام الصادق عليه السلام للعلوم الإسلامية: akf474@yahoo.com

٢. طالب السطح الرابع في معهد الإمام الصادق عليه السلام للعلوم الإسلامية، حقل الفقه والأصول:

ghkiasari@gmail.com

A Probe into the Congruity of Imamate with Promulgation-Oriented Prophethood

Asad Allah Kord Firuzjayi ¹

Qorban Ahangari Kiyasari ²

Abstract

Prophethood is a Divine mission for guiding people such that it has two versions that are concerned with law-making and promulgation of the Islamic religion both of which ended. The Twelve4r Shiism holds that after prophethood, the Infallible Imam succeeds the Prophet through the Divine nomination, hence holds the leadership. Belief in the principle of imamate brings about the controversy of breaching the rule of the finality of prophethood. However, proving the distinctions between promulgation-oriented prophethood and imamate would solve this problem. Hence the query whether these two are one and the same in terms of their functions and mission. A piece of library research paper, the present work makes a comparative study of these two phenomena: promulgation-oriented prophethood is concerned with disseminating the essence of the bygone faiths, leading the maintaining the supremacy of the prophet and showing the new path. In addition to the above, the infallible imam is commissioned to implementing the Divine rules, establishing the religious state, and exerting the right influence in the people who are capable of receiving the Divine direction and guidance.

Key words: Imamate, promulgation-oriented prophethood, infallible imam, prophets, Divine revelation.

1. Member of Faculty, Institute of Islamic Studies of Imam Sadegh.

Email: akf474@yahoo.com

2. Graduate of Level 4 in Fiqh and Usul, Institute of Islamic Studies of Imam Sadegh. Email: ghkiasari@gmail.com